بازی برجامی ترامپ با کارت تیلرسون

رویکرد
سیدرحیم نعمتی

دانا اسمیت، سفیر سابق امریکا در قطر، روز سه‌شنبه گذشته در صفحه توئیتر خود نوشت: «به هر کس که می‌پرسد، می‌گویم من و رکس تیلرسون در دو موضوع اتفاق نظر داریم؛ یک اینکه قطر کشوری مهم و حیاتی است و دوم اینکه دونالد ترامپ فردی ابله و سبک‌مغز است.» شاید این سریع‌ترین واکنشی بود که در امریکا به برکناری تیلرسون از وزارت خارجه نشان داده شد. تیلرسون در حالی که تازه مأموریت خود به شرق آفریقا را نیمه‌تمام رها کرده و به واشنگتن بازگشته بود دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، این پیام را در صفحه توئیتر خود منتشر کرد: «مایک پمپئو رئیس سیا وزیر خارجه جدید ما خواهد بود. وی فوق‌العاده عمل خواهد کرد. رکس تیلرسون بابت خدمت‌هایت ممنون.» این پیام به معنای پایان کار برای وزیری بود که تنها یک سال و یک ماه و نیم از کارش می‌گذرد و دست‌کم از این جهت رکوردی در میان وزرای خارجه امریکا به جای گذاشته است. ترامپ وزیر خارجه‌اش را به این نحو و مثل رفتارهای دیگرش به روشی غیرمعمول برکنار کرد تا دستگاه دیپلماسی امریکا را به دست کسی بدهد که به خودش شباهت بیشتری داشته باشد.

■ مأموریت سخت

هر چند تیلرسون با ترامپ به لحاظ پیشینه کاری شباهت بسیاری با هم داشتند اما این باعث نشد که در عرصه سیاست مثل هم کار کنند. تیلرسون مثل ترامپ از حوزه غیرسیاسی به سیاست آمد چراکه تا قبل از آمدن به وزارت خارجه رئیس هیئت مدیره و مدیر ارشد اجرایی شرکت «اکسون موبیل» بود. او دست‌کم ۱۰ سالی می‌شد که این سمت را داشت و با این سابقه نشان داده بود که به خوبی می‌تواند از مدیریت بزرگ‌ترین غول نفتی و ششمین شرکت بزرگ جهان به لحاظ گردش مالی بربیاید. به عبارت دیگر، تیلرسون مثل ترامپ کارنامه موفقی در کار و کسب داشت و شاید همین نیز باعث شده بود تا ترامپ فکر کند خلق و خوی مشابهی با او دارد و مثل خودش در وزارت خارجه کار می‌کند. این تصوری خام بیشتر نبود که ترامپ از تیلرسون داشت چراکه انضباط مدیریتی به تیلرسون یاد داده بود چگونه طبق سیستم تعیین شده و طبق ضوابط و قواعد متعارف کار کند تا مثل خود ترامپ فردی با تصمیم‌های آنی و غیرمترقبه باشد. همین اختلاف اساسی باعث شد خیلی زود فاصله بین ترامپ و تیلرسون ظاهر شود و گفته می‌شود که تیلرسون در تابستان گذشته و تنها چند ماه بعد از تصدی وزارت خارجه حتی حاضر شده بود از مقام خود استعفا دهد. هر چند او این کار را نکرد و ماند اما ناخشنودی‌اش از ترامپ را هم مخفی نکرد تا در ماه جولای او را مردی کم‌عقل و احمق توصیف کند. همان اتفاق است که حالا دانا اسمیت از نقاط نظر مشترک خود با تیلرسون می‌گوید که مثل او ترامپ را فردی احمق می‌داند و نظر مشترک دیگر هم موضوع قطر است که یکی از موارد اختلاف نظر جدی تیلرسون با ترامپ بود.

■ اختلاف نظرها

تیلرسون تقریباً در تمام زمینه‌های سیاست خارجی امریکا از نحوه تعامل با اروپا، روسیه، خاورمیانه و برجام تا شرق دور و چین و کره شمالی با ترامپ اختلاف نظر جدی داشت. هر چند تیلرسون بعد از فرمان ترامپ برای خروج از توافقنامه تجارت آزاد ترانس پاسیفیک مشهور به تی‌پی‌پی به مقام وزارت خارجه رسید اما همواره سعی می‌کرد این کار ترامپ بر روابط امریکا با اروپا تأثیر منفی نگذارد هر چند ترامپ در اقدام بعدی و خروج از معاهده آب و هوایی نشان داد چندان به این موضوع اهمیتی نمی‌دهد. بر کسی پوشیده نیست که سعودی‌ها بعد از چراغ سبز ترامپ هجمه خود علیه قطر را شروع کرده و با تشکیل ائتلافی این کشور حوزه خلیج فارس را در محاصره اقتصادی قرار دادند. ترامپ دو روز بعد از شروع این بحران و در روز چهارشنبه ۷ ژوئن در تماس با ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه سعودی با اعلام حمایت از او، سعودی‌ها را به ادامه بحران ترغیب و به صراحت قطر را متهم به حمایت سطح بالای مالی از تروریسم کرد. تیلرسون بر خلاف ترامپ نظر مساعدی به این بحران نداشت و از اول نه تنها قطر را به آن نحو متهم نمی‌کرد بلکه سعی داشت با میانجیگری هر طور که شده اختلافات را از بین ببرد و حتی در ماه جولای به منطقه سفر کرد تا با رفتن به قطر و عربستان به نحوی بین دو طرف آشتی ایجاد کند که موفق نشد. این نوع موضع‌گیری تیلرسون موجب دلخوری سعودی‌ها شده بود تا آنجا که او را حامی قطر می‌دانند و حالا که از کار برکنار شده خشنودی خود را پنهان نمی‌کنند.

پرونده سازش اعراب با رژیم صهیونیستی یکی دیگر از زمینه‌های اختلاف تیلرسون با ترامپ بود و حضور جدی کوشنر، داماد و مشاور ارشد ترامپ، در این پرونده عامل جدی در اختلاف او با ترامپ بود. اوایل دسامبر بود که شبکه خبری بلومبرگ به نقل از برخی مقامات نزدیک به تیلرسون خبر از نگرانی‌های او نسبت به مذاکرات کوشنر با محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، داد چراکه کوشنر از این مذاکرات گزارشی به تیلرسون نمی‌دهد و او را در جریان کار قرار نمی‌دهد. در واقع، ترامپ با دادن پرونده سازش به کوشنر در عمل ترامپ را از کل جریان کنار زده بود و همین هم باعث ناراحتی تیلرسون شده بود.

■ عامل برکناری

زمزمه برکناری تیلرسون از اواخر نوامبر بر سر زبان‌ها افتاد که روزنامه‌های نیویورک تایمز و واشنگتن پست خبری در این مورد منتشر کردند و حتی در خبر خود از آمدن پمپئو به جای تیلرسون گفتند. هرچند کاخ سفید در آن موقع چنان خبرهایی را تکذیب می‌کرد اما تحلیلگران این نظر را داشتند که درز آن خبرها از کاخ سفید به عمد و بنابر خواسته ترامپ است تا فشارها بر تیلرسون آن قدر بشود که خودش حاضر به استعفا شود. به نظر می‌رسد تیلرسون که خبر از این ترفند ترامپ داشت در مقابل فشارها استقامت کرد تا ترامپ خودش مجبور به کنار گذاشتن او شود و البته هزینه‌های این کار هم به عهده ترامپ بیفتد. در این میان، مسئله اصلی علت کنار گذاشتن تیلرسون است که ترامپ کمی بعد از کنار گذاشتن او مقابل دوربین‌ها حاضر شد تا اختلاف‌نظرش با تیلرسون بر سر برجام و توافق هسته‌ای گروه ۱+۵ با ایران را عامل این کار بداند. در مقابل، تیلرسون در آخرین سخنرانی‌اش در وزارت خارجه نه تنها کوچک‌ترین اشاره‌ای به برجام نکرد بلکه با انگشت گذاشتن بر روسیه و به خصوص تکرار اتهامات بریتانیا به روسیه در مورد مسموم کردن سرگئی اسکریپال، جاسوس سابق روسیه و دخترش، به کنایه این نکته را بیان کرده که عامل برکناری‌اش فقط روسیه است. اما ترامپ روز بعد هم در جمع تفنگداران نیروی دریایی حاضر شد تا با حمله به برجام و تکرار اتهاماتش علیه ایران باز نشان دهد که عامل برکناری تیلرسون، ایران است و به این صورت پاسخ تیلرسون را داده باشد. باید گفت این نوع نمایش تبلیغاتی ترامپ آن قدر ناشیانه است که نمی‌تواند توجیهی برای همزمانی برکناری تیلرسون و موضع سختگیرانه او علیه روسیه باشد. این موضوع آن قدر در محافل رسانه‌ای غرب انعکاس داشته که ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، در واکنش به آن می‌گوید: «آیا آنها با تغییر کارمندان در واشنگتن مقصر جلوه دادن روسیه را آغاز کردند؟» برخی تحلیل‌ها هم نظر به کره شمالی و برنامه نابهنگام ترامپ برای دیدار با کیم جون اونگ، رهبر کره‌شمالی، دارند که گویا تیلرسون نظر مساعدی به این نحو برخورد با پرونده کره‌شمالی نداشت و حتی در سفر اخیر به شرق آفریقا گفته بود: «امریکا راه طولانی برای مذاکره با کره‌شمالی در پیش دارد.» ترامپ که می‌خواهد ملاقات خود با رهبر کره‌شمالی یک پیشرفت سریع در پرونده کره‌شمالی باشد تا به توافقی به قول خودش تاریخی با کره‌شمالی برسد، نمی‌توانست این نوع لحن انتقادی تیلرسون را تحمل کند و به همین جهت هم او را کنار زد تا با فرد وفادار و مطیعی مثل پمپئو پرونده را پیش ببرد. در هر صورت، عامل برکناری تیلرسون هر چه باشد دست‌کم یک حلقه بازدارنده ترامپ از رفتارهای خودسرانه در کاخ سفید کم شده و به جای آن حلقه‌ای اضافه شده که در خودسری دست‌کمی از ترامپ ندارد و همین نیز پیش‌بینی برای عملکرد کاخ سفید بعد از این را سخت کرده است.

مافیای سعودی-صهیونیستی پشت تغییرات کاخ سفید

گزارش
احمد کاظم‌زاده

هرچند از آغاز دوره ریاست جمهوری ترامپ، عزل و نصب‌ها و استعفاها یا برکناری‌های بی‌موقع به یک امر عادی تبدیل شده که خود دلیلی بر وجود بحران در لایه‌های زیرین قدرت در امریکا است اما هیچ یک از عزل و نصب‌ها یا برکناری‌ها و استعفاهای گذشته به اندازه برکناری رکس تیلرسون خبرساز و حساسیت‌برانگیز نبوده است. یکی از دلایل این مسئله به نوع برکناری تیلرسون برمی‌گردد که در زمان سفر خارجی وی به پنج کشور افریقایی اتفاق افتاده و به نوشته گاردین ساعت دو بامداد وی را از خواب بیدار و تصمیم ترامپ برای برکناری وی را به اطلاع او رسانده‌اند و اینکه در خلأ حضور وی در واشنگتن چه اتفاقی افتاده است و چه کسانی در تحریک و تشویق ترامپ به برکناری وی نقش داشتند خود یکی از پرسش‌های مهم در این زمینه است اما با توجه به اینکه برکناری تیلرسون بلافاصله بعد از سفر بنیامین نتانیاهو به امریکا روی داد از این‌رو احتمال می‌رود که وی و لابی صهیونیستی نیز در این برکناری نقش داشته باشند. به‌خصوص که میانه خوبی میان تیلرسون و رژیم صهیونیستی و شخص نتانیاهو برقرار نبود و تیلرسون در آخرین سفر خاورمیانه‌ای خود به‌رغم درخواست هواداران رژیم صهیونیستی در کنگره از سفر به فلسطین اشغالی خودداری کرد و درست در زمانی که اوج تنش در روابط میان این رژیم و لبنان بر سر استفاده از حوزه نفتی بلوک ۹ واقع در جنوب لبنان برقرار بود، به بیروت سفر کرد.

از دیگر سو، برکناری تیلرسون بعد از آن روی داد که روابط میان انگلیس و روسیه بر سر مسمومیت یک جاسوس سابق روسیه در لندن شکرآب شد و دولت انگلیس، روسیه را به دست داشتن در این زمینه متهم کرد و تیلرسون نیز مواضعی در حمایت از دولت انگلیس علیه روسیه اتخاذ کرد. برخی کارشناسان تأثیر این مسئله را بر برکناری تیلرسون از زاویه روابط ویژه‌ای می‌دانند که گفته می‌شود از قبل میان روسیه و شخص پوتین با ترامپ برقرار بوده و لذا برکناری تیلرسون را نوعی حمایت از روسیه ارزیابی می‌کنند اما بعید است چنین ارزیابی به واقعیت نزدیک باشد زیرا پمپئو با توجه به سابقه نظامی‌گری و اطلاعاتی‌اش در مقایسه با تیلرسون چهره‌ای به مراتب افراطی‌تر محسوب می‌شود و در بسیاری موارد از رویکردهای افراطی طلبانه حمایت می‌کند. همچنین پمپئو در مقایسه با تیلرسون مواضع نزدیکی به رژیم صهیونیستی دارد و این در حالی است که در ماه‌های اخیر مواضع روسیه و رژیم صهیونیستی در سوریه به شدت با یکدیگر اصطکاک پیدا کرده است و در مواردی هم علیه یکدیگر وارد عمل شده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به رد پای رژیم صهیونیستی در عملیات ناکام منفجر کردن پایگاه‌های هوایی و دریایی روسیه در سوریه با استفاده از ۱۳ پهپاد مجهز به مواد فوق‌انفجاری یا سرنگونی دو فروند هواپیمای روسی در سوریه و متقابلاً نقش روسیه در سرنگونی یک فروند هواپیمای اف۱۶ اسرائیلی در جولان با استفاده از یک موشک روسی اشاره کرد. همچنین در حالی که رژیم صهیونیستی همچنان برای براندازی دولت سوریه و ارسال تسلیحات به گروه‌های مسلح و تکفیری در غوطه شرقی تلاش می‌کند اما روسیه حفظ پایتخت سوریه و نظام سیاسی آن را خط قرمز برای خود می‌داند اما در عین حال از حل بحران بر اساس توافقات آستانه، سوچی و ژنو حمایت می‌کند. با چنین پیشینه‌ای احتمال می‌رود برکناری تیلرسون به سرسخت‌تر شدن مواضع امریکا در سوریه کمک کند که به همان میزان می‌تواند واکنش شدید روسیه را نیز به همراه داشته باشد.

بنابراین اگر از این منظر به تغییرات جدید در دستگاه دیپلماسی امریکا نگاه شود که این تغییرات به نفع چه کسی و به ضرر چه کس یا کسانی تمام خواهد شد، می‌توان گفت رژیم صهیونیستی یکی از طرف‌هایی است که فکر می‌کند این تغییر به نفع اوست و از این پس بیشتر خواهد توانست امریکا و دولت ترامپ را با ماجراجویی‌های خود همراه کند. البته آنچه جناح راستگرای صهیونیستی آن را به نفع خود می‌داند ممکن است برای امریکا و منافع ملی این کشور فاجعه‌آمیز باشد کما اینکه امریکا در دوره جرج بوش پسر نیز به تحریک همین نومحافظه‌کارانی که اکنون بر دولت ترامپ سیطره دارند، به اشغال عراق دست زد که به اذعان خود ترامپ چند تریلیون دلار بار مالی بر دوش مالیات‌دهندگان امریکایی گذاشت ضمن اینکه موقعیت بین‌المللی امریکا را در برابر رقبای بین‌المللی خود تضعیف کرد و در واقع بعد از زمینگیر شدن امریکا در عراق و افغانستان و بحران اقتصادی ناشی از آن بود که چین و هند رتبه اقتصادی و روسیه جایگاه نظامی و سیاسی خود را در جهان افزایش دادند. این بدین مفهوم است که اگر صهیونیست‌ها یک بار دیگر امریکا را به خطای استراتژیک وادار کنند این وضعیت به مراتب بدتر خواهد شد.

بنابراین اگر این فرض را بپذیریم که تیلرسون با اتخاذ رویکردی محافظه‌کارانه توانسته بود تا حدودی از رویکردهای افراطی گرایانه دولت ترامپ و عناصر تندروی آن بکاهد و زمینه را برای تعامل میان دولت ترامپ و جهان خارج به‌رغم اقدامات و سیاست‌های غیرمتعارف ترامپ فراهم کند اما از این پس احتمال می‌رود امریکا برای تعامل با جهان خارج با مشکلات و چالش‌های مضاعفی روبه‌رو شود. اتحادیه اروپا، چین، روسیه و ایران از جمله حوزه‌های چالش‌برانگیز محسوب می‌شوند. امریکا در دوره اوباما یکی از بهترین روابط و همکاری‌ها را با اتحادیه اروپا برقرار کرده بود اما اکنون دولت ترامپ در عرصه‌های مختلف با این اتحادیه دچار چالش شده و عملاً این اتحادیه را به جنگ تجاری فراخوانده است. حتی چالش‌هایی نیز در روابط میان امریکا و انگلیس مشاهده می‌شود و اکنون این دو کشور برای عرضه سهام آرامکو در بازارهای بورس خود دچار تضاد منافع شده‌اند و رقابت سنگینی را با یکدیگر آغاز کرده‌اند. چین نیز از این جنگ تجاری مستثنی نیست اما با این حال به نظر می‌رسد امریکا با نشان دادن پرچم سفید به چین و کره شمالی می‌خواهد به طور مقطعی در روابط استراتژیک این کشور و روسیه اخلال ایجاد کنند و در هر گونه برخورد و درگیری احتمالی با روسیه شاهد همراهی چین و کره شمالی با روسیه نباشند اما به نظر می‌رسد هر دو کشور به اهداف تاکتیکی امریکا در این زمینه واقف هستند. در مورد ایران نیز توافق هسته‌ای نه یک توافق دوجانبه بلکه یک توافقنامه بین‌المللی است که پشتوانه قطعنامه‌های سازمان ملل را نیز با خود دارد و لذا اگر دولت ترامپ تحت تحریک مافیای اسرائیلی و سعودی به خروج از این توافق اقدام کند جدا از عواقب پیش‌بینی نشده آن، حیثیت و اعتبار خود را زیر سؤال خواهد برد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت هرچند برخی بازیگران آشوب‌ساز که از همان ابتدا در به قدرت رساندن ترامپ و رادیکالیزه شدن سیاست خارجی امریکا کنار وی بودند امکان دارد به جابه‌جایی جدید در دستگاه سیاست خارجی این کشور به عنوان فرصتی برای پیشبرد سیاست‌های افراطی گرایانه خود نگاه کنند اما چه بسا امکان دارد آنچه آنها از آن به فرصت یاد می‌کنند در عمل به تهدیدی جدی برای خود و امریکا تبدیل کنند چراکه افراط در سیاست‌های ارعاب و تهدید امکان دارد آنها را دچار خطای محاسبه کند و آتشی را روشن کنند که خود قبل از دیگران در آن بسوزند.

کنسرت اروپایی-امریکایی علیه روسیه

دورنما
دکتر سیدرضا میرطاهر

در روزهای اخیر تنش‌های سیاسی بین روسیه و انگلیس بار دیگر اوج گرفته است. روابط مسکو و لندن که اکنون نیز به دلیل اختلافات متعدد بین دو کشور روابطی سرد و پرمناقشه است، با وقوع برخی رخدادها و نیز تهدیدات متقابل دو دولت علیه یکدیگر وارد مرحله جدیدی از سردی و اختلاف شده، به ویژه اینکه این بار ناتو و امریکا نیز آشکارا در حمایت از لندن وارد این بحران سیاسی شده‌اند.

■ تنش بر سر جاسوس

سفارت روسیه در لندن دوشنبه ۲۲ اسفند دولت انگلیس را متهم کرد در بررسی پرونده مسمومیت «سرگئی اسکریپال» جاسوس روسی سرویس جاسوسی خارجی انگلیس (MI۶) بازی بسیار خطرناکی را با هدف فریب افکار عمومی آغاز کرده که پیامدهای جدی برای روابط روسیه و انگلیس دارد. در این بیانیه تصریح شد سیاست کنونی که دولت انگلیس در ارتباط با روسیه در پیش گرفته یک بازی تبلیغاتی و کاملاً خطرناک برای فریب افکار عمومی است. در این بیانیه تصریح شد رویکرد غلط لندن، تحقیقات درباره پرونده مسمومیت و مرگ «سرگئی اسکریپال» را به مسیر بی‌فایده‌ای می‌کشاند و پیامدهای جدی بر روابط روسیه- بریتانیا در بلندمدت دارد. «ترزا می» نخست‌وزیر انگلیس در پارلمان این کشور اعلام کرده بود کاملاً محتمل است که روسیه در مسموم کردن اسکریپال نقش داشته و این حمله‌ای کورکورانه علیه لندن است. ترزا می پیش‌تر گفته بود گاز اعصابی که در حمله به اسکریپال و دخترش در شهر سالزبری استفاده شده، از نوع جنگی بوده و از جمله عوامل اعصاب است که در کشور روسیه تولید می‌شود. لندن اعلام کرد سرگئی اسکریپال و دخترش یولیا دو هفته پیش بر اثر تماس با یک ماده سمی، بی‌هوش روی نیمکتی پیدا و در بیمارستانی در جنوب انگلیس بستری شدند. در مقابل ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه پیشتر به لندن توصیه کرد منتظر نتایج تحقیقات بماند و از نتیجه‌گیری شتابزده خودداری کند. سرگئی اسکریپال سرهنگ سابق اطلاعات روسی است که به عنوان مأمور برای سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ فعالیت کرد. وی در دسامبر ۲۰۰۴، توسط سرویس امنیت فدرال روسیه دستگیر و به عنوان خائن مجرم شناخته شده و در سال ۲۰۰۶ به اتهام جاسوسی برای دولت انگلیس به ۱۳ سال حبس محکوم شد. وی متهم بود که هویت جاسوسان روس را در اروپا در اختیار سازمان جاسوسی MI۶ انگلیس قرار داده است. اسکریپال در سال ۲۰۱۰ در جریان تبادل جاسوسان میان امریکا و روسیه به انگلیس پناهنده شد که طی آن مسکو چهار جاسوس خود را با ۱۰ جاسوس امریکا مبادله کرد.

■ حمایت شرکای لندن

اتهامات لندن علیه مسکو درباره دست داشتن دستگاه اطلاعاتی روسیه در ترور شیمیایی اسکریپال با حمایت شرکای غربی انگلیس مواجه شده است. از جمله ینس استولتنبرگ دبیر کل ناتو اعلام کرد مسموم شدن اسکریپال که به گفته مقامات انگلیس به احتمال زیاد روسیه در آن نقش داشته «حادثه‌ای نگران‌کننده برای ناتو» است. رکس تیلرسون وزیر امور خارجه سابق امریکا نیز اعلام کرد کشورش همانند مقامات انگلیس فکر می‌کند روسیه احتمالاً مسئول مسموم شدن سرگئی اسکریپال است. رهبران اتحادیه اروپا نیز قرار است در نشست شورای اروپا درباره این مناقشه بحث و بررسی کنند. در مرحله بعد لندن تهدیدات خود علیه مسکو را در این زمینه فزونی بخشیده و خواستار برگزاری نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل برای رسیدگی به این مسئله شد.

وزارت خارجه انگلیس اعلام کرده هدف از این نشست ارائه یافته‌های کمیته تحقیقات به اعضای شورای امنیت درباره سوءقصد به جان جاسوس روس است. لندن چهارشنبه گذشته در واکنش به این اقدام ۲۳ نفر از دیپلمات‌های روس را اخراج کرد و گفته می‌شود تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال می‌کند. لندن همچنین قصد دارد فعالیت رسانه‌های روسی در انگلیس را محدود کند.

■ واکنش روس‌ها

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز چهارشنبه اعلام کرد روسیه هیچ ارتباطی با حادثه مسموم شدن جاسوس سابق روس با گاز اعصاب در انگلیس نداشته و ادبیات اعلام اولتیماتوم از سوی بریتانیا را علیه خود نمی‌پذیرد. وی تأکید کرد روسیه حاضر به همکاری در تحقیق درباره این اتفاق است اما هیچ‌گونه اعلام آمادگی متقابل از جانب بریتانیا برای این همکاری دریافت نکرده است. کرملین همچنین هشدار داد هرگونه اقدامی که ترزا می انجام دهد با «پاسخ» متقابل مواجه خواهد شد. وزارت خارجه روسیه نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد تهدید بریتانیا به تحریم جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۸ به خاطر مسمومیت جاسوس سابق روسیه در این کشور ممکن است به روابط طرفین و نیز این ورزش جهانی صدمه بزند، همچنین ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه تهدید کرد تمامی رسانه‌های انگلیسی را از روسیه اخراج می‌کند. این تهدید از سوی مسکو پس از آن اعلام شد که انگلیس هشدار داد اگر شواهدی دال بر دست داشتن روسیه در حمله شیمیایی به سرگئی اسکریپال بیابد، مجوز فعالیت شبکه خبری «راشاتودی» را لغو می‌کند. زاخاروا همچنین به دولت انگلیس هشدار داد که هیچ‌کس نباید یک قدرت اتمی را تهدید کند. نیکلای کوالیف، رئیس پیشین سرویس امنیت فدرال روسیه نیز اعلام کرد نیروهای اطلاعاتی بریتانیا در مسموم کردن سرگئی اسکریپال دست داشته‌اند. به گفته وی، اقدام به قتل جاسوس سابق روس کاملاً به ضرر روسیه و به سود لندن و واشنگتن و به صورت غیرمستقیم اوکراین است. وی تأکید کرد احتمال دست داشتن نیروهای اطلاعاتی روسیه در مسموم کردن اسکریپال دیوانگی است، چراکه اقدام به انتقام پس از ۱۴ سال آن‌هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ مارس روسیه عاقلانه نیست.

■ جمع‌بندی

اکنون مسئله مسمومیت شیمیایی سرگئی اسکریپال عملاً به چالش جدیدی بین روسیه و غرب تبدیل شده است. بنابراین، لندن علاوه بر اخراج دیپلمات‌های روس، ممکن است احتمالاً تحریم‌هایی را علیه روسیه اجرا و فعالیت رسانه‌های روسی از جمله راشاتودی را نیز ممنوع خواهد کرد. در مقابل روسیه نیز بیکار نخواهد نشست و به اقدام متقابل مبادرت خواهد کرد. تحقق این سناریو منجر به وخامت روزافزون روابط مسکو و لندن خواهد شد. به نظر می‌رسد انگلیس به عنوان متحد استراتژیک امریکا در برخورد با روسیه حتی از موضع واشنگتن در این زمینه نیز پیشی گرفته است. لندن ناخرسندی خود از جنبه‌هایی از رفتار روسیه را اعلام کرده و مدعی شده با توجه به اینکه روسیه همچنان درصدد بی‌ثبات کردن کشورهای اروپایی از جمله اوکراین است، روابط لندن با مسکو نمی‌تواند به روال عادی بازگردد. با این حال، مقامات ارشد انگلیس به خوبی از نقش مهم و سرنوشت‌ساز روسیه در زمینه مسائل بین‌المللی به خصوص درباره بحران اوکراین و بحران سوریه آگاه هستند و می‌دانند هر گونه اقدامی برای خاتمه این بحران‌ها بدون رضایت و حمایت روسیه نتیجه‌بخش نخواهد بود. الکساندر گوسف، کارشناس مسائل سیاسی می‌گوید: «انگلیسی‌ها متوجه این موضوع هستند که حل هرگونه مسئله منطقه‌ای یا جهانی بدون روسیه غیرممکن است. در مقابل روس‌ها بر این گمان هستند که انگلیسی‌ها مسئول روابط پرتنش دو کشور هستند». در این زمینه سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه تصریح کرده اینکه روابط میان دو کشور از سطح خوبی برخوردار نیست، موضوع محرمانه‌ای نیست اما این موضوع به رفتار مسکو ارتباط ندارد. نگاه دولت محافظه‌کار انگلیس به روسیه، نگاهی تهدیدمحور است و بر امکان همکاری‌های حداقلی در زمینه‌های مشترک مانند مسائل مرتبط با سوریه و کره‌شمالی و نیز برجام تأکید دارد. با این حال همین روابط نیز اکنون در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. می‌توان پیش‌بینی کرد دولت امریکا نیز با توجه به رویکرد ضد روسی این کشور نه فقط مشوق لندن در این زمینه خواهد بود بلکه به تشویق و حتی اعمال فشار به دیگر دولت‌های اروپایی برای انجام اقدامات تنبیهی علیه روسیه خواهد پرداخت. این مسئله صرفاً منجر به واگرایی هر چه بیشتر بین روسیه و غرب و افزایش تنش‌های دو جانبه خواهد شد.